

هوشنگ امیراحمدی / سقوط هواپیما و مسئولیت دولت‌های ایران و آمریکا

سقوط هواپیمای باربری نظامی ایران بار دیگر موضوع قدیمی بودن هواپیماهای ایران و ناممکن بودن خرید وسایل یدکی آنها یا خرید حتی هواپیماهای جدید را مطرح کرده است. در پی آن پرسش اذهان را به خود مشغول می‌کند که چرا ایران نباید بتواند از داشتن هواپیماهای جدید و امن برای سرنشینانش برخوردار باشد. مسوول کیست و چه چیز باید در این میان تغییر کند؟ مسوول دولت ایران است که هنوز از هواپیماهای قدیم استفاده می‌کند یا امریکا است که وسایل یدکی به ایران نمی‌فروشد؟ در این زمینه مصاحبه‌ای داریم با دکتر هوشنگ امیراحمدی، اقتصاددان و رییس انجمن دوستی ایران و امریکا.

مصاحبه گر: کیوانخت قهاری



تمام هواپیماهای ایران ایر و هواپیمایی که در اختیار بخش نظامی کشور است، همشان اسقاط هستند.

دویچه وله: آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی، از محافل سیاسی دولتی در ایران این گفته شنیده می‌شود که آمریکا به ایران وسایل یدکی نمی‌دهد و این باعث می‌شود که ایران نتواند نقص فنی هواپیماهایش را رفع کند و امنیت جان مسافران خودش را تامین کند. پاسخ شما به این اتهام چیست؟

هوشنگ امیراحمدی: مقصر هم دولت امریکا است و هم دولت جمهوری اسلامی. واقعیت اینست که دولت جمهوری اسلامی هنوز هم نمی‌خواهد با آمریکا صحبت کند. بنابراین، من نمی‌دانم، شما وقتی با کسی دعوا دارید، با کسی صلحی ندارید، چرا انتظار دارید به شما وسایل یدکی بفرشد! جوابی ست که باید مقامات دولت ایران خودشان بدهند که چطور هم خدا را می‌خواهند، هم خرما را. هم می‌خواهند با آمریکا دشمنی کنند، هم می‌خواهند آمریکا به آنها یدکی بفرشد. ولی از آنطرف هم البته آمریکا مقصر است، به این معنا که هواپیمایی را به ایران سالها قبل فروخته است و حالا هم به لحاظ اخلاقی مسئولیت‌هایی دارد که دنبال جریان را نگه دارد. اما آمریکایی‌ها حرفشان اینست که این هواپیماها برای مصارف و جاهایی استفاده می‌شوند که ما حاضر نیستیم با ایران که دشمن ماست سر آنها همکاری کنیم، مخصوصا در رابطه با مسایل نظامی. این نوع هواپیما، هواپیما سی ۱۳۰، هواپیماهای باربری هستند و اکثرا مصارف نظامی دارند. بهرحال، من فکر می‌کنم هردو مقصرند، هم دولت ایران و هم دولت آمریکا و تا وقتی این رابطه وجود ندارد، این مسئله وجود خواهد داشت. متأسفانه این سانحه اولین بار نیست که اتفاق افتاده است و آخرین بار هم نخواهد بود و اصولا تمام هواپیماهای ایرانی که آمریکایی‌اند و اکثرشان هم اینجوری‌اند، تمام هواپیماهای ایران ایر و هواپیماهایی که در اختیار بخش نظامی کشور است، همشان اسقاط هستند. یعنی این هواپیماها باید از دور خارج بشوند و اگر اینها را دولت جمهوری اسلامی هنوز هم به پرواز درمی‌آورد، مسوول است و در واقع یکنوع خودکشی ملی هست و باید جلو اینکار را گرفت. باید این جریان را مهم‌اش کرد. چون از یکطرف ملت چاره‌ای ندارد، جز اینکه سوار این هواپیماها بشود و از آنطرف هم دولتی که در این قبال خواهد مسئولیت بپذیرد یا نشان نمی‌دهد.

دویچه وله: آقای امیراحمدی، چه چشم‌اندازی وجود دارد که ایران بتواند هواپیماهای جدیدی را خریداری بکند، جمهوری اسلامی چکار باید بکند؟

هوشنگ امیراحمدی: ببینید، متأسفانه آمریکا نه فقط نمی‌گذارد ایران از خود آمریکا، مثلا شرکت بوئینگ آمریکا یا مک دونالد داگلاس یا جاهای دیگر، هواپیما بخرد، بلکه جلو ایران را در خرید هواپیمای ایرباس اروپا هم گرفته است. برای اینکه بخش وسیعی از تکنولوژی داخل ایرباس آمریکایی ست یا آمریکایی‌ها صاحب بخش وسیعی از آن جریان هستند. اینست که تنها راه، عادی کردن این رابطه هست و قبول مذاکره با امریکا است، قبول نشستن سر میز با آمریکا و مسایل را بطور استراتژیک با آمریکا مطرح کردن است. در حال حاضر راه دیگری من نمی‌بینم، برای اینکه ایران عملا جایی ندارد برود. البته یکسری هواپیماها از جاهای دیگر هم می‌تواند بخرد. مثلا از روسیه یکمقدار خریده است، ولی متأسفانه گویا این هواپیماهای جدید روسیه حتا بیشتر از هواپیماهای کهنه‌ی آمریکایی دچار سانحه می‌شوند. واقعا چاره‌ای نیست. یعنی آمریکا در بازار هواپیماسازی در دنیا یک کنترل خاصی دارد. شما هر جا که بروید هواپیما بخردید، به شکلی آمریکا می‌تواند آنجا جلویتان را بگیرد. من تنها راهش را حل مشکل ایران و آمریکا می‌بینم، ولی مشکل دارد به یکجایی می‌رسد که دارد تبدیل به یک فاجعه‌ی ملی می‌شود. البته اما مشکل ایران و آمریکا مشکل ساده‌ی نیست، تراژدی همین جاست.

دویچه وله: اخیرا تحرکاتی دیده می‌شود و گفته می‌شود که ارتباطاتی برقرار شده است. شما در این رابطه خبر تازه‌ای دارید؟

هوشنگ امیراحمدی: بله، ولی ارتباطات خیلی مهمی نیست. ایران الان، البته همیشه ارتباط داشته، ولی هیجوقت این ارتباط تداوم نداشته و یک دستور جلسه هم نداشته است. الان هم، متأسفانه می‌گویم، دولت ایران باز همان اشتباهی را کرد که قبلا در مورد افغانستان و موارد دیگر کرده است. یعنی آمده با آمریکا در عراق سر عراق چانه می‌زند، یک جریانی که اصلا به او مربوط نیست. یعنی به جای اینکه بنشینند با آمریکا سر مسایل خودش مستقیما چانه بزند، رفته سر یک کشور دیگری که مستقل است، خودش دولت دارد، سر اینکه جلو تروریست‌ها گرفته بشود یا نشود با آمریکا چانه می‌زند. یک تفکر بسیار غلط. مثلا همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای. اینها آمدند و عملا غیرمستقیم پشت در با آمریکا حرف می‌زدند، ولی غیرمستقیم و از طریق اروپا. خوب این غلط است. ما مسئله‌ی هسته‌ای با اروپا نداشتیم. اینها این مسئله را آمدند و مشکل‌اش کردند. یعنی چون می‌خواهند مسئله را مستقیما با آمریکا سر جریانیهای اساسی ایران مطرح نکنند، مدام از این در به آن در می‌زنند. بنابراین، می‌خواهم بگویم که یک تماسهایی هست، گفتگوهایی هست، ولی اینها بسته گریخته، بی‌پرنامه و متأسفانه باید بگویم خارج از مشکل ایران و آمریکا سر مسایلی که به نظر من در رابطه‌ی ایران و آمریکا، در تحلیل نهایی، فرعی هستند. یعنی، حتا، مشکل عراق را هم میان ایران و آمریکا شما حل بکنید، مشکل اصلی با آمریکا هیچ فرقی نکرده است و همانجا سر جایش خواهد بود.

دویچه وله: آقای دکتر هوشنگ امیراحمدی، از اینکه دعوت ما را به مسابقه پذیرفتید از شما بسیار سپاسگزارم.